



مرکز تحقیقات اسلامی

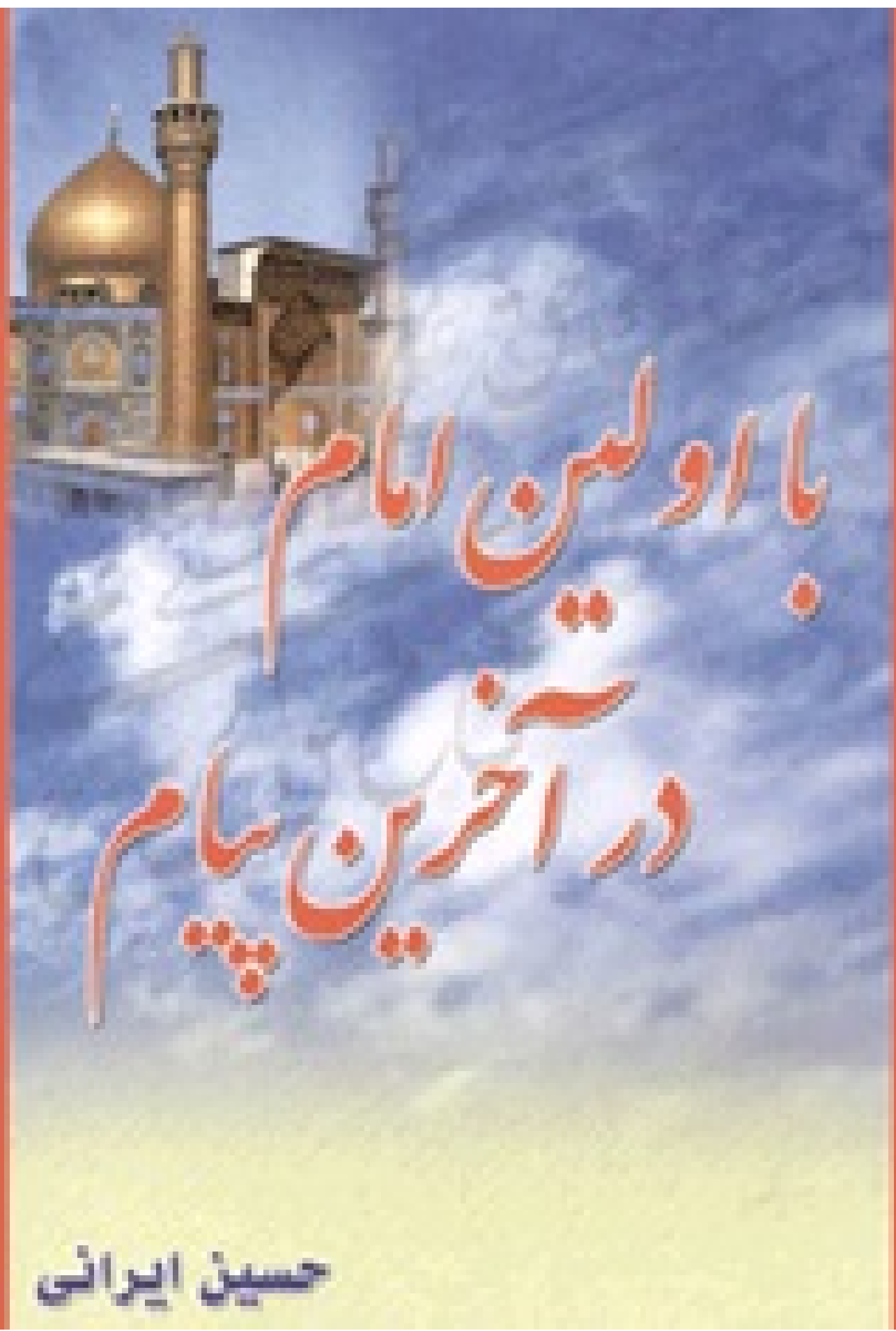
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



با اولین امام
در آخرین پیام

حسین ایرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با اولین امام در آخرین پیام (آخرین وصیت امام علی علیه السلام)

نویسنده:

حسین ایرانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	با اولین امام در آخرین پیام (آخرین وصیت امام علی علیه السلام)
۸	مشخصات کتاب
۸	تقدیم
۸	مقدمه
۱۱	گردآورنده نهج البلاغه
۱۲	اسناد نهج البلاغه
۱۳	شرح و ترجمه نهج البلاغه
۱۳	نهج البلاغه از منظر برخی بزرگان
۱۳	امام خمینی قدس سره
۱۳	استاد دکتر حسین رزمجو
۱۳	آیه‌الله استاد جعفر سبحانی
۱۴	آیه‌الله استاد حسن زاده آملی
۱۴	شیخ محمد عبده (مفتی اعظم اسبق مصر)
۱۴	علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله
۱۴	علامه محمد تقی جعفری رحمه الله
۱۴	استاد محمدرضا حکیمی
۱۴	جرج جرداق
۱۴	آیه‌الله خامنه ای - مدظله العالی
۱۵	شیوه کار
۱۵	نامه ۴۷ نهج البلاغه
۱۵	نامه ۴۷ نهج البلاغه
۱۵	مناسبت صدور
۱۵	واژه ها

۱۶	ترجمه
۱۶	تصویر کلی
۱۶	تفسیر و توضیح
۱۶	تفسیر و توضیح
۱۶	الف)
۱۶	ب)
۱۸	ج)
۱۸	د)
۱۸	ه)
۱۹	و)
۱۹	ز)
۱۹	نکته ها
۲۰	واژه ها
۲۱	ترجمه
۲۱	پیام کلی
۲۲	تفسیر و توضیح
۲۲	اصلاح ذات بین
۲۴	یتیمان
۲۶	همسایگان
۲۸	قرآن
۲۸	قرآن
۲۹	رسالت ما در رابطه با قرآن
۳۰	نماز
۳۱	حج
۳۳	جهاد
۳۴	روابط اجتماعی

۳۴	روابط اجتماعی
۳۵	الف) صله رحم
۳۶	ب) محبت با مردم
۳۷	ج) بخشش و گذشت:
۳۸	امر به معروف و نهی از منکر
۳۸	امر به معروف و نهی از منکر
۴۰	جایگاه آن دو
۴۰	خاستگاه:
۴۱	نقطه آغازین
۴۱	عوامل توفیق
۴۱	موانع
۴۲	واژه ها
۴۲	پیام کلی
۴۲	توضیح و تفسیر
۴۳	فهرست منابع
۴۳	پی نوشت ها
۴۷	درباره مرکز

با اولین امام در آخرین پیام (آخرین وصیت امام علی علیه السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایرانی حسین - ۱۳۲۵ عنوان و نام پدیدآور: با اولین امام در آخرین پیام (آخرین وصیت امام علی علیه السلام / حسین ایرانی مشخصات نشر: قم مسجد جمکران ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۶۴ ص ۱۹ ۵/۹ X س م شابک: ۹۶۴-۸۴۸۴-۰۴-۲۵۰۰ X ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان دیگر: آخرین وصیت امام علی علیه السلام عنوان دیگر: نهج البلاغه برگزیده شرح موضوع: علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق نهج البلاغه برگزیده -- نقد و تفسیر موضوع: علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت -- ۴۰ ق -- وصیتنامه موضوع: علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- نامه ها شناسه افزوده: علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق نهج البلاغه برگزیده شرح رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۴۲۳ /الف ۷۸ ۲۸۳۱ رده بندی دیویی: ن ۷۹۲/۵۱۵۹ شماره کتابشناسی ملی: م ۲۸-۳۰۶۹

تقدیم

به فروزنده فرزندش؛

خورشید عدالت؛

بهار جاوید جهانیان؛

شادابی بخش روزگاران؛

مهدی امم علیه السلام.

مقدمه

پیامی پیوسته از ژرفای دل پر می کشد و می پرسد:

راز مظلومیت مولای متقیان امیر مؤمنان علی علیه السلام در چیست؟

این همه مظلومیت ماندگار ریشه در کجا دارد؟!

آیا در صبر و سکوتش؟ در غصب خلافتش؟ در شهادتش؟ یا نه اینها خود نموده‌های مظلومیت آن انسان کامل است و به قول

نویسنده بنام و دلسوخته اهل بیت علیهم السلام، سید مهدی شجاعی:

«رمز مظلومیت علی علیه السلام در ناشناخته ماندن آن روز علی علیه السلام است در ناشناخته ماندن هنوز علی علیه السلام و

در ناشناخته ماندن همیشه و هر روز علی علیه السلام است»

چرا که به فرموده استاد شهید مطهری قدس سره:

«اگر محتویات کتابی و یا اندیشه‌ها و احساسات و عواطف شخصی با دنیای روحی مردمی سازگار نباشد، این کتاب و یا آن شخص عملاً تنها و بیگانه می ماند هر چند نامشان با هزاران تجلیل و تعظیم برده شود. آیا زندگی ما با دنیای نهج البلاغه بیگانه نیست؟!»

و بر این اساس است که بزرگترین شکوه رسول رحمت در روز رستاخیز منزوی و متروک قرار دادن کتاب و آیات خداست «نه معارف آن را یافتند و نه بدان عمل کردند» (۱).

همچنین برای عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و عدل قرآن، مهجور ماندن بالا-ترین مظلومیت می باشد؛ چرا که با عنایت به حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (۲)

این دو از یکدیگر انفکاک ناپذیرند و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است و در نتیجه مهجور ماندن بشریت از حقایق و ساحل سعادت و نجات و افق عدل و آزادی انسانی.

آری گرچه حضرتش در خطبه سوم نهج البلاغه می فرماید:

«يُنحدر عني»

السیل ولا یرقی الی الطیر»

سیل علوم و فضایل از کوهسار وجود من (بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله) جاری می گردد و پرندگان پر پرواز اندیشه بر بلندای ابعاد وجودیم توان پرواز ندارد.

لیکن در نامه ۴۵ می فرماید:

«ألا- وإنّ لكل مأموم إماماً یقتدی به ویستضیء بنور علمه»؛ هوشیار و آگاه باشید که هر رهروی را رهبر و پیشوایی است که بدان اقتدا می کند و از نور دانش و ابعاد ارزشی او بهره مند می گردد.

و در اینجا نیز سخن از پیروی نمودن و در راه و مسیر سیره او حرکت کردن است، اگر او نان خشک و نمک می خورد و آن گونه کار و عبادت و عدالت و فریادرس مستمندان و یتیمان و مظلومان بود، ما حداقل ظلم نکنیم، تجمل پرستی و دنیاگرایی را ترک نموده، قناعت و ساده زیستی داشته باشیم و نیازمندان را نیکی کنیم... که خود در ادامه می فرماید:

«ألا وإنکم لا تقدرون علی ذلك»؛ زنهار! شما این گونه زیستن (با این غذا و پوشاک) همچو علی علیه السلام را توان ندارید.

آیا به راستی حضرت علی علیه السلام و نهج البلاغه که نمادی از مظلومیت اوست، در جامعه حتی در حوزه های علمیه و دانشگاه های ما غریب نمانده؟! کدامین خطبه و نامه اش را به دقت خوانده ایم و به مفاهیم بلندش اندیشیده ایم و حفظ و عمل کرده ایم و کدامین روز علی گونه زیسته ایم؟!

اکنون بر ماست تا این نقص و ناآگاهی را بیایم و آن گاه عذر تقصیر به درگاه خدای آوریم و با استمداد از روح آن مولای مظلومان، دیده و دل به این تالی قرآن (نهج البلاغه) سپاریم. پاکی و پارسایی پیشه کنیم، چرا که پاکدلان از نسیم و نور هدایتش بهره مند گردند نه تبهکاران همان گونه که قرآن

می فرماید:

«از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا و رحمت است فرو می فرستیم و بر ستمکاران جز زیان نمی افزاید» (۳)

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس نهج البلاغه را در حد توان بشناسیم و دستورالعمل زندگی فردی و جمعی و حکومتی مان قرار دهیم (که انقلاب اسلامی ایران با هدف احیاء و اجراء نهج البلاغه رقم خورد!!) باشد که در تمام زمینه ها به سعادت، عزت، اقتدار و عدالت اجتماعی برسیم و جوانان عزیزمان را با اُنس و ارتباط با نهج البلاغه و امام علی علیه السلام از شرّ فتنه ها، توطئه ها و تهاجم شیاطین و سلطه استعمارگران مصون نگهداریم.

تا آخرین فرزند معصوم و مظلوم علی علیه السلام آن غریب غایب از نظر حضرت بقیه الله الاعظم مهدی موعود (عج) ظهور کند و همه مهجوریت های قرآن، عترت و بشریت را پایان دهد، خورشید عدالت و عبودیت الله را بر سراسر گیتی جلوه گر سازد و زندگی زیبای سرشار از آسایش و امنیت را بر همگان به ارمغان آرد.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ح - ایرانی - قم

گردآورنده نهج البلاغه

محمد ابوالحسن (مشهور به سید رضی و سید شریف رحمه الله) در محله شیعه نشین شهر بغداد سال ۳۵۹ هـ تولد یافت، پدرش ابواحمد حسین بن موسی و مادر او فاطمه (۴) دختر حسین بن احمد (داعی صغیر) (که نقل شده شیخ مفید رحمه الله کتاب «احکام النساء» را به درخواست آن بانوی با فضیلت برای وی نوشت.) و برادرش سید مرتضی رحمه الله (علم الهدی، ۳۵۵ - ۴۳۶ هـ) می باشد.

سید رضی رحمه الله در خانواده علم و زهد و تقوا با والدین علوی از دودمان امام حسین علیه السلام پرورش یافت. او با نبوغ خاصی که داشت تا ۲۰ سالگی به

تحصیل علوم زمان خود پرداخت و در ۲۱ سالگی از علوم متداول (ادبیات، کلام، فقه، اصول، تفسیر و...) بی نیاز شد، وی (۸۰ سال قبل از ایجاد مدرسه نظامیه بغداد) مرکز علمی دارالعلم را تأسیس کرد.

سید شریف دانشمندی سخنور، ادیبی شجاع، سیاستمداری بافضیلت و مردم دار و حافظ قرآن بود، او هرگز خود را در گوشه مدرسه و مسجد محصور نکرده بلکه مسئولیت های سیاسی - اجتماعی را با مدیریت خاصّ عهده دار بود. همانند نقابت طالبیان (سرپرستی خانواده هایی که از نسل ابوطالب پدر امام علی علیه السلام بودند، با وظایف ده گانه). در عصر او مسائل با مسالمت بین شیعه و سنی بررسی می شد و حتی بعضی از اساتید آن مرد بزرگ از عالمان اهل سنت بودند.

سید رضی رحمه الله سرانجام در محرم سال ۴۰۶ ه در ۴۷ سالگی در بغداد چشم از جهان فروبست و عالم تشیع در غم غروبش فرو رفت.

سید رضی رحمه الله غیر از نهج البلاغه (که در سال حدود ۴۰۰ ه جمع آوری و تنظیم کرد) تألیفات زیادی داشت (متجاوز از ۷۲ کتاب و رساله از جمله ۲۰ جلد تفسیر قرآن و کتب، خصائص الائمه، تعلیق الفقها، مجازات آثار النبویه، الجید من شعر ابن الحجاج، دیوان اشعار و...)

اسناد نهج البلاغه

گرچه در خود کتاب نهج البلاغه اسنادی نیامده است، لیکن تمام خطبه ها، نامه ها و کلمات کوتاه موجود در آن، سالها قبل از سید رضی رحمه الله در کتب معتبر و مجامع روایی (اصول کافی، عقد الفرید، تحف العقول، مروج الذهب، نزهه الادب و...) آمده و حدود ۷۰ محدث و مفسر و مورخ آنها را نقل کرده و در بیش از ۲۰۰ کتاب علماء پیشین بیان شده است. حتی مسعودی (در جلد دوم

مروج الذهب یعنی یکصد سال قبل از سید رضی رحمه الله می نویسد:

«در حال حاضر چهارصد و اندی خطبه از علی علیه السلام در دست مردم است» (۵) مدارک و اسناد نهج البلاغه در کتابهایی از جمله «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» آمده است بعلاوه فصاحت و بلاغت و زیبایی و جامعیت سخن خود گواه این حقیقت است که فوق کلام همه ادیبان و عالمان عرب و دانشمندان بشری است.

شرح و ترجمه نهج البلاغه

بر کتاب نهج البلاغه تاکنون متجاوز از ۱۲۰ شرح و ۷۰ ترجمه و همچنین صدها شرح بر تعدادی از خطبه ها و نامه ها و کلمات حکمت آمیز آن، از سوی دانشمندان مختلف داخلی و خارج کشور نوشته شده و به ده ها زبان زنده دنیا (همانند فرانسه، آلمانی، اردو، انگلیسی، ایتالیایی استانبولی و...) ترجمه گشته است و ظاهراً نخستین شرح نهج البلاغه را فقیه بزرگ قطب الدین راوندی (مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام در قم) نوشته است. (۶)

نهج البلاغه از منظر برخی بزرگان

امام خمینی قدس سره

«... کتاب نهج البلاغه، که نازله روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر میت و در حجاب خود و خودخواهی خود، معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعاد به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی، از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هرچه جامعه ها به وجود آید و دولت ها و ملت ها محقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند...»

صلوات و سلام بی پایان به رسول اعظم که چنین موجود الهی را در پناه خود تربیت فرموده و به کمال لایق انسانیت رساند. و سلام و درود بر مولایمان که نمونه انسان و قرآن ناطق است و تا ابد نام بزرگ او باقی است و خود الگوی انسانیت و مظهر اسم اعظم است. (۷)

«ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه، که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ماست. (۸)»

استاد دکتر حسین رزمجو

«کتاب شریف و ارزشمند نهج البلاغه... فوق کلام مخلوق و دون کلام الخالق و تالی قرآن مجید و به درخشندگی آفتاب، لطافت گل، قاطعیت صاعقه، غرش طوفان، خروش امواج و به بلندای ستارگان کهکشانش... تفسیری از حکمت های قرآنی و تبلوری از معارف اسلامی و تأمین کننده بهروزی دنیا و آخرت، کسانی است که به رمز و رازها و کنه خفایش پی برند و به رهنمودهای خردمندانه و سازنده آن عمل کنند.»

آیهالله استاد جعفر سبحانی

«نهج البلاغه بلیغ ترین و رساترین کتاب پس از قرآن است و کلید حل تمام مسائل و مشکلات فکری و...»

آیهالله استاد حسن زاده آملی

آری سخنان مولای موحدان منهاج بلاغت و مسلک فصاحت است که زبان سخنوران از آوردن همچون خطبه ها و اوامر او باز مانده اند و اقدام و اقلام امرا در همپایی با رسائل و نامهای وی لغزیده اند و عقول عقلا و در بیابان مواعظ و حکم او حیران و سرگشته مانده است، چگونه چنین نباشد در حالی که گوینده این سخنان پرتو از انوار الهی گرفته و فروغ از چراغدان ختمی محمدی کسب کرده است و کلام او جوشیده از ناحیه ربوبی و بهره گرفته از حضرت محمدی است که این سخن تالی قرآن و... است...»

شیخ محمد عبده (مفتی اعظم اسبق مصر)

«در همه مردم عرب زبان یک نفر نیست مگر آنکه معتقد است سخن علی علیه السلام بعد از قرآن و کلام نبوی شریف ترین و بلیغ ترین و پرمعناترین و جامع ترین سخنان است...»

علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله

«... همانند سخنان حضرت امیرعلیه السلام که خطبه اولش، برای همیشه اساس فلسفه اسلامی است در هیچ گفته یا سروده عرب بدست نمی آید و علی علیه السلام «ششقه هدرت فی عالم الوجود ثم قرث».

علامه محمد تقی جعفری رحمه الله

«... مگر این نیست که کلمات علی بن ابیطالب علیه السلام وابسته به کلمات الله است که نه حدی دارد و نه زوالی و فنایی... ولی عظمت علی علیه السلام خیلی والاتر از آن است که این کلمات از عهده بیان آن برآید...» (۹)

استاد محمدرضا حکیمی

نهج البلاغه فیض ملحوظ است و نور مکتوب از هر سوی که به این کتاب بنگریم در چشم خورشید نگریسته ایم و در آفاق جلیل انوار حیات...»

جرج جرداق

در نهج البلاغه علی علیه السلام به همان اندازه که برای عرب خیر و ارزش وجود دارد، برای همه انسانهای دیگر نیز وجود دارد...» سرانجام می گوید: چون مسیحی مذهب هستم، کسی نمی تواند مرا متهم به تعصب بکند، و کتاب «امام علی علیه السلام صوت العدالة الانسانیه» را این اندیشمند بزرگ مسیحی در ۵ جلد نوشت.

آیهالله خامنه ای - مدظله العالی -

احیای نهج البلاغه فقط وظیفه ما شیعیان نیست بلکه وظیفه همه مسلمانان است... به عنوان احیاء یک میراث بی نظیر اسلام باید نهج البلاغه را زنده کنند... همچنان که در زمینه قرآن کریم کار شده، درباره نهج البلاغه هم باید این کارها انجام گیرد چون تالی و دنباله قرآن است. همان طور که مسلمانان ما خودشان را موظف می دانند با قرآن اُنس پیدا کنند و ندانستن قرآن را برای خود نقص می شمارند، ندانستن نهج البلاغه هم باید نقص به حساب بیاید.

امروز می شود از دیدگاه دقیق و نافذ امیر المؤمنین علیه السلام به واقعیت های جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد، همین است که به نظر ما امروز از همیشه به نهج البلاغه محتاج تریم. (۱۰)

شیوه کار

در این مختصر ابتدا به ذکر متن نامه و کلام حضرت علی علیه السلام از نهج البلاغه می پردازیم و آنگاه واژه ها و لغات را ترجمه نموده فراز خاص را ترجمه می گردد. سپس به بیان پیام و تصویر کلی متن مذکور و در نهایت شرح و تفسیر آن و بیان نکات محوری را خواهیم داشت.

نامه ۴۷ نهج البلاغه

نامه ۴۷ نهج البلاغه

من وصیه له علیه السلام للحسن علیه السلام و الحسین علیه السلام «أوصیکما بتقوی الله وأن لا تبغیا الدنیا وإن بغتکما ولا تأسفا علی شیءٍ منها، زوی عنکما: وقولا بالحقّ واعملا للأجر وکونا للظالم خصماً وللمظلوم عوناً».

مناسبت صدور

بعد از آنکه در سال ۴۰ ه ق حضرت علی علیه السلام توسط «ابن ملجم» ضربت شمشیر بر سر مبارکش فرود آمد و در بستر شهادت قرار گرفت، به فرزندانش چنین وصیت فرمود:

و بدیهی است که شناختن امام زمان و موقعیت خاص صدور کلام، در معرفت مفاهیم مؤثر و راهگشای تفسیر بهتر از آن سخن می باشد.

واژه ها

لا تبغیا=اراده و آرزو مکنید(بغی = طلب کردن، نگریستن و انتظار کشیدن)

زوی عنکما = گرفته و دور شد از شما

لا تأسفا = اندوهگین مشوید (اسف = اندوه، غم، خشم)

خصم = دشمن عون = یاور، کمک کار

ترجمه

شما را به تقوا (خداترسی، خودیابی، پروا داشتن و دوری از گناه) سفارش می‌کنم و به دنبال دنیا نروید (به دنیاپرستی روی نیاورید) اگرچه دنیا سراغ شما آید و بر آنچه از دنیا از دست شما رفت و از دست دادید، اندوه و افسوس مخورید. حق را بگویید و برای پاداش (الهی و ثواب آخرت) کار کنید. دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.

تصویر کلی

در این بخش، پندهای پاینده حضرت علی علیه السلام بیشتر متوجه وظایف فردی بوده، در قالب دستورالعملی کوتاه و کامل برای سعادت دنیا و آخرت آمده است که با ایجاد تقوا (خود کنترلی و خداترسی) ساماندهی اندیشه و انگیزه‌ها، ترک دنیاگرایی، کوشش، حق‌گرایی، خصم ستمگر و یاور ستمدیده بودن شکل می‌گیرد.

تفسیر و توضیح

تفسیر و توضیح

شخصیت‌های بزرگ در لحظات و ساعات پایانی عمرشان غالباً سخن‌های پایانی و پایدار را بیان می‌کنند و حضرت علی علیه السلام در این نامه از روی مهر و محبت و منطق توصیه‌هایی را می‌فرماید.

گرچه مخاطب و روی سخن آن حضرت با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشد لیکن او امام و پیشوای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و پدر بشریت است و پندهایش منحصر به دو فرزندش نبوده بلکه مطلق و فراگیر است و می‌تواند منشور زندگی همگان قرار گیرد. در این قسمت نامه، امام علی علیه السلام به هفت موعظه و دستورالعمل وصیت و سفارش می‌کند.

الف

تقوا و خدا محوری در اندیشه و عمل یعنی حرکت به سوی کمال مطلق و جلب رضایت آفریدگار جهان هست و اطاعت و اجرای قوانین و مقررات او و عدم تبعیت از تمایلات حیوانی (نه سرکوب غرائز و رهبانیت، که تعدیل تمایلات و هدایت آنها در مسیر مفید و صحیح که آفریننده و کارشناس واقعی آنها مشخص و در مجموعه ای بنام دین حق و قرآن بیان نموده است). و همچنین پیروی نکردن از شیاطین بیرون.

ب

ترک دنیاپرستی و دنیاگرایی، هر چند مظاهر مادی دنیا (مال و مقام و...) به انسان روی آورد چرا که این جهان منزلگاه موقت آدمی است مانند عالم رحم نسبت به این دنیا و مزرعه اوست تا مدتی محدود با اختیار و انتخاب، کار و تلاش نموده برای آخرت و جهان جاوید بذره‌های نیکو و عمل صالح بکارد (الدنيا مزرعه الاخره) (۱۱) نه تارک دنیا که تلاشگر ولی زاهد و بی‌رغبت به مادیات زودگذر و طمع و دلبستگی به آنها پیدا نکردن و اسیر آنها نشدن و نفی سکولاریزم و اینکه مبادا برای

رسیدن به مال و مقام، ارزشهای اخلاقی را ندیده گرفتن و به ظلم و تجاوز و تقلب دست زدن و جنگ های کذایی و جهانی را برای اقتصاد بهتر و قدرت و سلطه بیشتر مجاز دانستن! و اینجاست که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله عشق و محبت به دنیا سرآغاز هر زشتی و گناه می گردد «حَبِّ الدنیا رأس کل خطیئه» (۱۲) و در یک کلمه از همه امکانات و نعمت های الهی در راه خدا و خدمت به عبادش بهره برداری نمودن، همانگونه که حضرت علی علیه السلام در قله قدرت و حکومت،

عالی ترین عدالت را به نمایشگاه تاریخ آورد و آنگونه زیستن را به همگان آموخت.

(ج)

اندوه و افسوس از دست رفته ها را نخوردن (چرا که گذشته ها گذشته و غم آنها ثمری ندارد، جز آنکه توان حال و آینده انسان را زیان می رساند و آرامش روح و اعصاب آدمی را در هم می ریزد.

(د)

حق گویی را شیوه خود ساختن و گفتار را بر محور حق کنترل نمودن و همه جا طبق اوامر و نواهی خدا سخن گفتن و به موقع و بدون ترس از بیان حقایق دریغ نداشتن و در نتیجه حق محور شدند (حق گو، حق جو و حق خواه شدن و از هر گونه باطلی، تهمت، توهین، غیبت، تحقیر و انواع گناهان زیان دوری جستن).

(ه)

کار و تلاش نمودن در زندگی آن هم با انگیزه اجر و پاداشی متناسب با شأن انسان، یعنی با انگیزه و نیت خدایی عمل صالح و شایسته انجام دادن.

نه کار برای رسیدن به دنیای گذرا و مزد محدود و مادی و فانی بلکه برای پاداش ماندگار. برای خدا و خدمت به عباد خدا چرا که «ما عندکم ینفد وما عند اللّٰه باقی» (۱۳)؛ آنچه نزد شماست از بین خواهد رفت و آنچه به قصد خدا و نزد او قرار دهید ماندگار است. و به فرموده علی علیه السلام «وإنّ الیوم عمل ولا حساب و غداً حساب ولا عمل» (۱۴)؛ براستی امروز روز کار و عمل است و روز جزا و پاداشی واقعی در فصل و جهان دیگر با نظام و قوانین خاص خود می باشد.

در اسلام نباید کار برای نفس یا ناس باشد، زیرا وقتی انگیزه کار خدا شد، خستگی، کم کاری، نگرانی، تقلب، توقع تشکر و... ندارد و در این شرایط کارگر همیشه با نشاط و ابتکار بوده، محصول و تولید هر روز بهتر و قابل رقابت با بازارهای جهانی می باشد. خلاصه این که اسلام در کارها و کوشش های خیر دنیای محدود و مادی را هدف قرار نداده و پیوسته یک بلندای وسیع و نامتناهی را در اهداف انسانی نشانه می رود

تا هم پاکی دل و عقیده داشته و هم از سختی ها و صخره های راه نالد و نماند و کلام خدا «إِنَّمَا نَطَعْمَكُم لَوْجَه اللّٰه لا نرید منکم جزاءً ولا شکوراً» (۱۵) بیانگر معیار کار ارزشی است. عدم توجه به نقش کار و تولید و هدف صحیح از عوامل مهم بیکاری و مفسد اجتماعی در جامعه جوان ما می باشد.

و

در روابط اجتماعی حتی در مدیریت کلان جامعه و سیاست داخلی و خارجی، دشمن ستمگر بودن (در هر جا و هر زمینه ای ظلم به خود یا حدود و احکام خدا یا حقوق انسان ها در اسلام محکوم است) با متجاوز و ستمگر در هر شکل و شعاری باید در ستیز و مخالف بود.

ز

یاور مظلوم و ستمدیده بودن، فرد یا جامعه و ملت مظلوم را در هر جا و در حدّ توان، یاری دادن و حمایت متناسب نمودن تکلیف است.

نکته ها

۱- شروع وصیت با اصل تقوا بیانگر اهمیت و تأثیر تقوا در زندگی فردی و اجتماعی و تربیت انسان می باشد و از طرفی شکل گیری توصیه های آن حضرت همه مبتنی بر تحقق این قدرت و توان معنوی و عرفانی است و مؤمن تا به تقوا و خودنگهداری در برابر کشش های غیرخدایی نرسد و مطیع محض خدا نگردد، ناتوان است و به تکامل حقیقی و تقرب نخواهد رسید.

۲- به راستی اگر همین منشور کوتاه در همه سطوح جامعه عمل شود شما خواهید دید چهره حکومت ها و ملت ها عوض شده و زندگی لبریز از زیبایی و امنیت و سعادت می گردد.

«أوصیکما وجمیع ولدی واهلی و من بلغه کتابی بتقوی اللّٰه و نظم أمرکم وصلاح ذات بینکم، فَإِنِّی سمعت جدّ کماصلی اللّٰه علیه و آله یقول: صلاح ذات البین أفضل من عامّه الصلوه و الصیام.

اللّٰه اللّٰه فی الأیتام فلا تغبوا أفواهم ولا یضیعوا بحضرتکم.

واللّٰه اللّٰه فی جیرانکم فَإِنَّهم وصیّه نبیکم ما زال یوصی بهم حتی ظننا أنه سیورثهم.

واللّٰه اللّٰه فی القرآن، لا یسبقکم بالعمل به غیرکم.

واللّٰه اللّٰه فی الصلوه، فَإِنَّها عمود دینکم.

واللّٰه اللّٰه فی بیت ربکم لا تخلّوه ما بقیتهم، فَإِنَّه إن ترک لم تناظروا.

واللّٰه اللّٰه فی الجهاد بأموالکم و أنفوسکم و ألسنتکم فی سبیل اللّٰه، وعلیکم بالتواصل و التبادل، وایاکم و التدابیر و التقاطع، لا تترکوا

الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فيؤلى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم.

واژه‌ها

غَبَّ = پایان هر چیز - یک روز در میان (شتر را به آب بردن)

إِغْيَابُ أَفْوَاهٍ = یک روز در میان غذا دادن - گرسنه گذاشتن اَضَاعَ = ضایع شد

جیران = همسایه (جمع جار)

لم تناظروا = مهلت داده نخواهید شد، محفوظ نمانید

تواصل = حفظ رابطه و پیوندها

تبادل = (بذل) =

سخاوت، گذشت، فداکاری)

تدابیر = هجرت و قطع رابطه، دشمنی و اختلاف

ترجمه

شما را و تمام فرزندان و خاندانم و کلیه افرادی که این وصیت نامه به آنان می رسد، به تقوا و نظم در امور و ایجاد صلح و آشتی بین خود سفارش می کنم، زیرا من از جدتان پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: «اصلاح دادن مردم، از نماز و روزه یکسال بهتر است»

خدا را خدا را درباره کودکان یتیم و بی سرپرست، مبادا آنان را گناه سیر و گناه گرسنه بگذارید (برنامه و نظم غذایی آنان رعایت نشود) و نکند با حضور شما، حقوق شان از بین برود!

خدا را خدا را درباره همسایگان، حقوق شان را رعایت کنید زیرا وصیت پیامبر شماست. پیوست به خوش رفتاری با آنان سفارش می کرد تا آنجا که گمان بردیم برای آنها سهمی از ارث مقرر نماید.

خدا را خدا را درباره نماز چرا که ستون و پایه دین شماست.

خدا را خدا را در رابطه با خانه پروردگارتان (کعبه) تا زنده اید آن را خالی نگذارید زیرا اگر متروک گردد مهلت نخواهید یافت.

خدا را خدا را درباره جهاد با اموال و جان ها و زبان هایتان در راه خدا.

بر شما باد به پیوستن با یکدیگر مبادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی و اخوت را ببرید.

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط گردند، آنگاه هرچه خدا را بخوانید جواب نیاید.

پیام کلی

در این فراز حضرت علی علیه السلام بیشتر به وظایف اجتماعی پرداخته و می فرماید: تقوا و نظم مداری، ایجاد آشتی، اتحاد، رفع نیاز ایتام، رابطه سالم با همسایگان، عمل به کتاب قانون (قرآن)، عبودیت خدا، اهتمام به حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و... را پاس دارید و

در زندگی پیاده کنید.

تفسیر و توضیح

از آنجا که تقوا نقش محوری در سعادت انسان دارد و در تمام امور زندگی تأثیر ارزشی و سازنده داشته و ملاک امتیاز در پیشگاه خدا نیز تقوا است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» (۱۶) حضرت علی علیه السلام همگان را به آن توصیه می فرماید.

همچنین نظام بخشی امور و برنامه ریزی صحیح و بهره برداری بهتر و بیشتر از کلیه فرصت ها و ظرفیت های عمر را سفارش نموده و اینکه موفقیت در مدیریت های خرد و کلان، مرهون دو اصل تقوا و نظم است. بررسی روایات نظم و تقسیم ساعات زندگی، و همچنین توجه به برنامه های اسلام رسماً انسان را منظم می کند چرا که در هر ساعت و روز و ماه مناسک و دستورات خاصی دارد.

و آنگاه به امر وفاق اجتماعی و وحدت ملی می پردازد تا با ایجاد صلح و آشتی بین افراد و مجموعه ها، جامعه ای منسجم و متحد ساخته شود، قدرت در کشور متمرکز و جامعه اسلامی به صورت یدواحد درآید تا به حل مشکلات موفق و در برابر دشمن توانمند گردد. و قوانین هم زمینه اجرا یابد؛ شاید رمز تقدیم آن بر دیگر دستورات همین معنا باشد تا جایی که اصلاح ذات بین از عموم نماز و روزه یا یکسال نماز و روزه یا هرگونه نماز و روزه (واجب و مستحب)، برتر و ارزشمند می گردد.

اصلاح ذات بین

اسلام جامعه ای متحد و منسجم می خواهد برای اجراء برنامه های ارزشی و خوشبختی آفرین و توسعه جهانی مکتب توحیدی که این مهم در سایه وحدت امت شکل می گیرد و لذا مشاهده می کنید پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز کوشید تا اختلافات قبیله ای و کنیه های جاهلی (از جمله بین دو طایفه بزرگ اوس و خزرج و جنگ های طولانی شان در

مدینه) را برطرف نموده، و با ورود به مدینه ابتدا مسجد می سازد، همگان را در آنجا جمع و آنگاه با صیغه مؤاخات و برادری، بین دلهایشان نیز محبت و ارتباط برقرار می کند و سپس از درون یک جامعه متحد و موحد نظام اسلامی را بیرون آورده سازمان می دهد، به دنبال آن با قبایل اطراف مدینه پیمانہ ای دفاعی و عدم تعرض می بندد که دیری نپایید اسلام با رهبری و مدیریت الهی پیامبر صلی الله علیه و آله استقرار یافت و تمام قدرت های حجاز تسلیم و پذیرای آن شدند، بر این اساس اسلام دین دوستی و محبت است و تمام عوامل وحدت آفرین را توصیه و از عوامل تفرقه و ضد وحدت اسلامی به شدت نهی فرموده است (از سلام کردن، با چهره گشاده و تبسم با یکدیگر روبرو شدن، اطعام، احسان، عیادت مریض، صله رحم و... گرفته تا نهی از سوءظن به همدیگر، سخن چینی، قطع رحم، قهر کردن، تهمت، غیبت و...)

از جمله عواملی که به وحدت و برادری ضربه می زند قهر کردن دو مسلمان با یکدیگر است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید، «لا هجره فوق ثلاث» (۱۷) یعنی اگر طبق مصالحی دو مسلمان از هم جدا شدند بیش از سه روز نباید طول بکشد که باعث عدم قبول عبادات شان می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لأن أصلح بين اثنين أحب إلي من أن أتصدق بدینارین» (۱۸)؛ اصلاح بین دو نفر نزد من محبوب تر از صدق دادن به دینارهاست.

امام علی علیه السلام می فرماید: «وأصلحوا ذات بینکم» (۱۹)

قرآن نیز مکرر به آن توصیه نموده است از جمله آیه ۹ و ۱۰ سوره حجرات و آیه ۲ سوره انفال.

در اهمیت اصلاح ذات بین همین بس که بعضی ائمه علیهم السلام

به اصحاب خود پول می دادند تا هر جا بین دو نفر از شیعیان نزاع مالی است بدهند (یا حکومت از بیت المال بردارد) تا صلح و آشتی حاصل شود. (۲۰)

بدیهی است ایجاد صلح و اتحاد بین دو کشور و جوامع اسلامی به مراتب ارزشمندتر است.

حتی در برخی روایات آمده با آن که دروغ از گناهان کبیره است ولی برای اصلاح ذات بین جایز است. عن النبی صلی الله علیه و آله: «یا علی! ثلاث یحسن فیهن الکذب: ... والإصلاح بین الناس» (۲۱)؛ دروغ گفتن در سه مورد جایز است... و برای ایجاد صلح و آشتی میان دو نفر می باشد.

توجه به این نکته لازم است که در اسلام توصیه به ایجاد صلح و آشتی بین مردم مسلمان و جوامع اسلامی است نه دوستی با دشمنان خدا و پیامبر و اسلام و انسانیت که آشتی و صمیمیت با دشمنان بشریت محکوم و به شدت مذمت شده است تا جایی که قرآن می فرماید:

«لا تجد قوماً یؤمنون بالله وبالیوم الآخر یوادون من حادَّ الله ورسوله، ولو كانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم...» (۲۲)

هیچ جامعه و گروهی را نمی یابی که به خدا و روز قیامت ایمان داشته لیکن با دشمنان خدا و پیامبرش دوستی کند هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آنها باشند...

یتیمان

(الله الله فی الأیتام)

در این فراز لحن سخن عوض می شود و علی علیه السلام با شدت نسبت به عواملی که باعث بروز ناهنجاری های اجتماعی می گردد هشدار داده می فرماید: شما را بخدا ایتام و نیازمندان (به مواد غذایی، علم، حمایت و هدایت و...) را از یاد مبرید، کودکان بی سرپرست و پدر مرده جامعه را همانند فرزندان خود پرورش دهید، نیازهای غذایی، فرهنگی، اقتصادی و تربیتی آنان

را منظم تأمین کنید.

یتیم گرچه در لغت به معنی کودک پدر یا مادر از دست داده و نیز چیز نفیس و گرانبها (مانند دُرّ یتیم یعنی مروارید نفیس) بکار رفته و لیکن می توان جامعه بدون رهبر مهربان و مذهبی و یا یک ملت مظلوم و کشور اسیر سلطه و تباهی را یتیم نامید. در اهتمام اسلام به ایتام همین بس که در قرآن کریم متجاوز از بیست مرتبه (۲۳) پیرامون وظایف اولیاء ایتام، مردم و دولت اسلامی، سخن به میان آورده و همچنین در روایات، فراوان نسبت به نیکی به ایتام و نهی از ظلم و ضایع نمودن حقوق آنان توصیه کرده است از جمله:

قال علی علیه السلام: «ما من مؤمن ولا مؤمنه یضع یده علی رأس یتیم ترحماً له إلا کتب الله بکله شعره مرّت یده علیها حسنه» (۲۴)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هر زن و مرد مؤمنی از روی محبت و رحمت دست بر سر کودک یتیمی بگذارد، خداوند در برابر هر مویی که دست او بر آن می رسد، پاداشت نیک برایش می نویسد.»

و در بیانی دیگر می فرماید: «من أفضل البرّ، برّ الأیتام» (۲۵)؛ از برترین نیکی ها، نیکی به یتیمان است.

بعلاوه در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم که با یتیمان جعفر طیار بعد از شهادتش و دیگران برخوردار شد و سرشار از محبت و مهر نموده است (۲۶) و علی علیه السلام خود غذا و عسل به دهان کودکان یتیم می گذاشت و می فرمود: «إِنَّ الإِمَامَ أَبَوَالْیَتَامِ»؛ همانا امام و رهبر جامعه پدر یتیمان است. و نیز در خاطرات امام خمینی قدس سره پیرو راستین اسلام ناب، آمده است:

دخترک یتیم را در آغوش گرفت و بوسید و گردن بند گران قیمت (اهدایی معلم ایتالیایی به آن

رهبر بزرگ جهان اسلامی) را به دخترک داد و طوری او را نوازش داد و با وی حرف زد تا با چهره خندان از امام قدس سره جدا شد.

حال با توجه به عواقب زیانبار اخلاقی و اجتماعی بی‌اعتنایی و نرسیدن به کودکان بی‌سرپرست و آمار شگفت‌انگیز جنایت و فساد توسط آنها، زیبایی احکام اسلام نسبت به ایتم بیشتر شکوفا می‌شود که توصیه می‌کند یتیمان نه در دارالایتم‌ها بلکه در آغوش لبریز از مهر خانواده پرورش یابند.

چرا که نیاز انسان تنها آب و نان نبوده بلکه انسان سرشار از احساس و عاطفه و تشنه محبت می‌باشد و سرشت او بر پایه عشق و مهر نهاده شده است و هیچ چیز جز مهر و محبت نمی‌تواند جای خالی پدر و مادر را جبران کند و چه خوب و خداپسندانه است که هر خانواده یک یا دو یتیم را تحت تکفل خود قرار دهد و مانند فرزندان خویش تمام نیازهای عاطفی، مادی و اخلاقی او را تأمین کند. و پیام پیامبر رحمت که خود طعم یتیمی چشیده بود. عمل نماید که می‌فرمود: «أحبَّ الیوت بیت فیه یتیم مکرم» (۲۷).

محبوب‌ترین خانه آن خانه‌ای است که در آن کودک یتیمی با اکرام و احترام زندگی کند.

همسایگان

(اللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِيرَانِ)

در این نامه حضرت علی علیه السلام نسبت به حقوق همسایه می‌فرماید: «پیامبر حتی به گونه‌ای سفارش رفتار پسندیده با همسایگان می‌کرد که ما گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود.»

در مورد رعایت حقوق همسایه در قرآن مکرر توصیه شده و حدود ۱۲ بار واژه جار (همسایه) در این کتاب الهی آمده است، از جمله آیه ۳۶ سوره نساء که نسبت به رعایت

احترام و حقوق همسایگان نزدیک و دور تأکید می کند و همچنین در روایات اسلامی نیکی و کمک به همسایه و دوری از آزار آن هر چند مسلمان نباشد، سفارش شده است که در اینجا به برخی از احادیث اشاره می شود:

قال النبی صلی الله علیه وآله: «حرمة الجار علی الانسان کحرمة أمه» (۲۸)؛ احترام همسایه بر آدمی همانند احترام مادر اوست.

قال النبی صلی الله علیه وآله: «من کان یؤمن باللّٰه والیوم الآخر فلا یؤذی جاره» (۲۹)؛ هرگز مؤمن به خدا و قیامت همسایه خود را آزار نمی رساند.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: به من ایمان (واقعی) ندارد کسی که با شکم سیر بخوابد در حالی که همسایه مسلمانش گرسنه باشد.»

و در بیانی دیگر نسبت به حقوق همسایگان به یکدیگر می فرماید: «فریادرس همسایگان بودن، در صورت نیاز به او و وام دادن، در هنگام بیماری عیادتش نمودن و در مصیبت او را تسلیت دادن، حتی دیوار خانه ات را به گونه ای نسازی که مانع نسیم و نور به خانه او شود، اگر میوه ای تهیه کردی به او هدیه کن و او را با بوی غذایت آزرده مکن مگر اینکه ظرفی به وی دهی» (۳۰)

و نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است «أربعون داراً جاراً» (۳۱) تا چهل خانه همسایه محسوب می شود.

به راستی اگر این دستورات ساده اخلاقی اسلام اجرا شود، نه تنها روح تعاون و نوازدوستی و خدمت در جامعه توسعه و تحکیم می یابد بلکه بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناهنجاریها و بیماریهای روحی و عصبی از بین می رود، هزینه ها و زیان ها کاهش می یابد و در حدیث آمده است: «حسن الجوار وصله الرحم یمران الدیار ویزیدان فی الإعمار»؛ خوب همسایه داری و پیوند خویشاوندی (انجام

صله رحم) باعث عمران سرزمین ها و افزایش عمرها گردد.

قرآن

قرآن

(اللّٰهُ اللهُ فِي الْقُرْآنِ)

قرآن مجموعه قوانین سعادت ساز بشر در طول تاریخ، قرآن کلام خدای خالق انسان و عالم، آیین نامه زندگی و دستورالعمل چگونه زیستن انسان برای رسیدن به کمال و شأن متناسب با او، چراغ راه هدایت دنیا و آخرت همانند دفترچه راهنما کنار مصنوع انسان جهت رساندن او به حیات طیبه و نه کتاب قبر و قیامت تنها که بیانگر تمام نیازهای زندگی آدمی، آری هر زمان که قرآن کتاب زندگی و پیام های آن پیاده شد، (به هر میزان)، به همان اندازه جامعه به کمال رسید همانند عصر نبوت که به وسیله همین قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله از میان بدترین جوامع جاهلی، انسان های وارسته ای چون سلمان و ابی ذر، عمار، سمیه و فاطمه علیها السلام ساخت و جامعه نمونه آزادی و عدالت و اخلاق را به نمایشگاه تاریخ آورد یا زمان حکومت کوتاه امام علی علیه السلام و از طرفی هر زمان قرآن مهجور و منزوی گشته، آغاز سقوط مسلمانان بوده است.

و در پایان تباهی های تاریخ هم حضرت مهدی موعود(عج) قیام می کند تا قرآن و عترت را از غربت و مهجور بودن بیرون آورد و جهان لبریز از ظلم و ضلالت با احیاء قرآن به امنیت و عدالت و آسایش و عبودیت الله رساند.

و امروز هم بشریت برای رسیدن به نور و نجات باید به نورانیت نامتناهی قرآن پناه آورد.

اگر بخواهیم جامعه و جوانان از تهاجم فرهنگی شیاطین شرق و غرب مصون بمانند باید به قرآن پناه برد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا التَّبَسُّتَ عَلَيْكَ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مَشْفَعٌ ...»

ومن جعله أمامه قاده إلى الجنّة، ومن جعله خلفه قاده إلى النار، وهو الدليل إلى خير سبيل...» (۳۲)؛

«هرگاه فتنه‌ها و توطئه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک بر شما هجوم آورد پس به قرآن پناه آورید چرا که قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته شده... و هر کس آن را پیشوا و رهبر خود قرار دهد به بهشت رهنمودن گردد و هر که از آن دوری کند و پشت سراندازد به جهنم (بدبختی‌های دنیا و آخرت) گرفتار آید برآستی که قرآن راهنمای بشریت است به سوی بهترین راه‌ها...»

در اهمیت و موقعیت و رسالت قرآن حتی نسبت به آداب قرائت و آثار اُنس با قرآن در خود این کتاب و روایات، فراوان سخن آمده است، از جمله:

عن النبی صلی الله علیه وآله: «خیر کم من تعلّم القرآن وعلمه» (۳۳)؛ بهترین شما کسی است که قرآن فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.

وعن النبی صلی الله علیه وآله: «حملة القرآن عرفاء أهل الجنّة، أشرف أمّتی حملة القرآن وأصحاب الليل» (۳۴)؛ حاملان و حافظان قرآن، عارفان و شناخته‌شدگان اهل بهشت اند.

وعن النبی صلی الله علیه وآله: «إنّ حسن الصوت زینه القرآن» (۳۵)؛ برآستی صوت زیبا زیور قرآن است.

وعن النبی صلی الله علیه وآله: «علیک بقراءة القرآن، فإنّه کفّاره للذنوب وستر فی النار وأمان من العذاب» (۳۶)؛ پیوسته به خواندن قرآن اهمیت بده چرا که کفاره گناهان بوده و باعث دوری از عذاب و آتش می‌باشد.

وعن النبی صلی الله علیه وآله: «طیبوا أفواهکم، فإنّ أفواهکم طریق القرآن» (۳۷)؛ دهان‌های خود را پاکیزه و نیکو گردانید زیرا آنها راه و مسیر قرآن است.

رسالت ما در رابطه با قرآن

۱- شناخت قرآن و درک اهداف نزول و اهمیت آن، «نور من ربکم، فیه ذکرکم و...»

۲- آشنایی با الفاظ و قرائت آن

۳- آگاهی از مفاهیم و معانی و تربیت نفسانی یافتن ۴- حفظ و انس با آن در تمام مراحل زندگی ۵- عمل به آن و اجراء دستوراتش و نشر فرهنگ قرآنی به دیگران به عمل کار برآید

به سخن دانی نیست و به فرموده علی علیه السلام: «ثمره علم و دانش، عمل به آن است» و قرائت و چاپ زیبای قرآن و قرار دادن آن کنار جهیزیه عروس و یا خواند آن برای مردگان کافی نیست.

۶- ارتباط با آن از طریق عترت و ثقل اصغر که پیامبر فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ...» (۳۸)

و راه یابی و تفسیر و تأویل قرآن را باید از خاندان وحی و اهل ذکر و معصومین و مطهرین اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و مفسران راستین پیدا کرد نه تحمیل نظریه خود به قرآن یا تفسیر ناهلان، همانگونه که قرآن می فرماید: «فاسئلوا أهل الذكر» (۳۹) و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علیّ مع القرآن والقرآن مع علیّ، علیّ مع الحقّ والحقّ مع علیّ یدور حیث ما دار» و نیز فرمود: «قال الله عزّوجلّ: ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی» (۴۰)

نماز

(الله الله فی الصلوه)

در اهمیت این عبادت همین بس که حضرت علی علیه السلام در محراب عبادت در حال نماز به شهادت می رسد و امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا اقامه نماز می کند و در زیارت آن حضرت می خوانیم «أشهد أنّك قد أقمّت الصلوه» و همچنین نقش عظیم نماز جمعه و جماعت در شکوه و وحدت اسلامی و تألیف قلوب و رفع مشکلات مسلمانان و ایجاد رعب در دل دشمنان (علاوه بر پاداش اخروی) و نیز آثار و برکات نماز با حضور قلب و خشوع و

اخلاص بر هیچ مؤمنی پوشیده نیست.

در این بیان حضرت علی علیه السلام موقعیت نماز را مشخص فرموده که در بنای دین نماز نقش ستون و پایه محوری را دارد که اعمال و عبادات دیگر روی آن استوار می شود و بدون عمود و این ارتباط الهی، بنایی باقی نمی ماند و در حدیث است که قبولی سایر اعمال مبتنی بر قبولی نماز است.

حج

(اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ادامه وصیت به موقعیت کعبه و مسأله حج با تعبیر بیت ربکم (خانه پروردگارتان) می پردازد. انتساب این خانه به خداوند بیانگر قداست و پاکی آنجا و این که مورد توجه پاکان تاریخ از آدم تا خانم پیامبران صلی الله علیه و آله بوده است و همچنین باید خدایی و پاک شوند. انسان هایی که به آنجا روی می آورند و باز می گردند. بعلاوه اثر تربیتی و سازندگی بالای آن را می رساند و با تعبیر «ربکم» یعنی هم او که شما را پرورش و عالمیان را تدبیر می کند در راستای تکامل شما آنجا را ایجاد و دستور رفتن و حضور در آن مکان را برای شما مقرر فرمود.

و در نهایت، به کیفر کوتاهی در امر مهم حج و نکوداشت خانه خدا اشاره نموده هشدار می دهد که اگر این خانه رها شود و کانون توحید و وحدت را از دست بدهید و از زائر و حج گزاران خالی گردد به انواع بلاها و گرفتاری ها مبتلا خواهید شد، هم مورد هجوم دشمنان و هم عذاب الهی خواهید گشت، بعلاوه در زندگی شخصی به خاطر دوری از آن مهد معنویت و رحمت حق و درس های ارزشی حج، از سعادت باز می مانید.

در اهمیت «حج» همین بس که نه تنها

در قرآن سوره ای به این نام آمده بلکه آیات و روایات فراوانی در عظمت و احکام و... حج ذکر شده است و کراراً پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اصحاب آنان با پای پیاده این واجب الهی را بجا می آوردند.

به راستی اگر ما بخود می آمدیم و با رسالت و دقت به تاریخ کعبه و حج و آثار آن می پرداختیم، جهان اسلام چهره دیگری داشت.

اگر آگاهانه در این کنگره عظیم بین الملل اسلامی و این مانور معنوی مکتبی وحدت آفرین حضور می یافتیم و یا برنامه ریزی و زمان شناسی مشکلات مسلمانان و محرومان را حل می کردیم.

اگر با بصیرت و معرفت این مناسک عبادی سیاسی را انجام می دادیم و درس های بلندش (از نیت و احرام گرفته تا طواف، رمی و سعی و...) را درک می کردیم.

اگر با احیاء یاد و خاطره فداکاری های حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل و هاجر و الهام از این اسوه ها، زن و مرد، پاک و پرتلاش و خدایی می شدیم.

اگر در مکه و مدینه از آن همه تهدیدها، هجرتها و تحمل سختی ها و شکنجه های پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان صدر اسلام (بلال، سمیه، یاسرها و...) به حقیقت یاد می کردیم و پیام های آن خداجویان را در اخلاق، رفتار، ساده زیستی، جهاد و فداکاری و... پیاده نمودن آن پاکبازان را الگوی خود قرار می دادیم.

دیگر مسلمانان اینگونه زیر سلطه استکبار جهانی آمریکا و صهیونیست های جنایتکار در مظلومیت و محرومین بسر نمی بردند بلکه در اوج عزت و قدرت در تمام عرصه های سیاسی، علمی، اقتصادی و.. سرآمد جهانیان قرار داشتند

آری همه ارزشها و پاداشها برای حج ابراهیمی و هدایت گر است نه در حج سیاحت و رفاه، حج راحت، بی روح، حافظ منافع آل

سعود و استعمار! بر این اساس امام علی علیه السلام می فرماید:

«حجّ البيت والعمرة، فإنّهما ينقيان الفقر ويكفران الذنب ويوجبان الجنة» (۴۱)؛ «حج و عمره هر گونه فقر و بدبختی را از فرد و جامعه اسلامی رفع می کند و گناه (پیروی از شیاطین درون و بیرون) را می زداید و به بهشت (زندگی دنیا و آخرت) می رساند.

و از امام صادق و امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«حجّوا واعتمروا تصحّ أجسامكم وتتسع أرزاقكم ويصلح إيمانكم وتكفّوا مؤونه الناس ومؤونه عيالاتكم» (۴۲)؛ حج بجا آورید و عمره انجام دهید تا جسم هایتان سالم و روزی هایتان وسعت و ایمانتان صالح شود و هزینه زندگی خانوادگی و اجتماعی شما تأمین گردد.

یعنی سلامت و سعادت، امنیت و رشد اقتصادی شما مرهون انجام حج و عمره صحیح و واقعی است.

جهاد

(الله الله في الجهاد)

حضرت علی علیه السلام با همان لحن هشدار دهنده، بر انجام جهاد تأکید می فرماید، پیکار پاک برای خدا با صرف ثروتها، فرصت ها و جان ها در مسیر نگهبانی و نشر دین خدا و نجات عباد خدا و ستمدیدگان.

جایگاه جهاد در اسلام - تعریف این واژه مقدّس - انواع آن - اهداف و احکام آن، جهاد در قرآن، روایات، سیره ائمه و تاریخ اسلام، آثار دنیوی و اخروی آن و... جنگ تحمیلی و ۸ سال دفاع مقدّس هر یک بحث های مفصلی دارد که از حوصله این جزوه بیرون است و تنها به بخشی از فلسفه جهاد در اسلام می پردازیم.

رابطه این اصل اسلامی و فرع فقهی با فطرت و طبیعت و اینکه نه تنها انسان و جامعه زنده عوامل مزاحمت و مودی، خارها و سنگهای راه رشد را دفع می کند بلکه هر موجود زنده با ابزاری از حیات و حیثیت خود دفاع

می نماید. همچنین در کشاورزی و پزشکی دفع آفات و میکروب ها یا قطع عضو فاسد برای بقاء پیکر آدمی یا یک ارگانیزم گیاهی کاملاً منطقی و پذیرفته شده است. آری برای حفظ جان، مال، آبرو، فرهنگ دینی، عزت و شرف مذهبی و ملی فرد و جامعه، قانون جهاد و دفاع با بار خاص مکتبی خود (یعنی پیکار در راه خدا، با تیت خالص، تحت رهبری پیامبر صلی الله علیه وآله و امام علیه السلام و ولی امر مسلمین) قرار داده شده است.

بدیهی است که عزت و اقتدار امت مرهون میزان فداکاری و جهاد او در راه خدا و حفظ هویت خود، دفع ظلم و تهدیدها، و نشر عدل و ارزشهای دینی می باشد.

در اسلام هرگز جنگ و حرب به معنی قتل و غارت و جنایت و سلطه طلبی نبوده برخلاف تبلیغات دشمنان هیچگاه اسلام آیین شمشیر نمی باشد بلکه در اسلام، جهاد، و سبیل الله است آنهم با هدف رسیدن به عدالت، امنیت، استقلال و عبودیت حق و دفع ظلم و فساد می باشد، گواه این حقیقت جنگ های صدر اسلام (در طول ده سال حکومت پیامبر صلی الله علیه وآله و دهها غزوه و سریه که حدود «۱۰۱۸ نفر» از طرفین جنگ کشته شدند) می باشد. (۴۳)

و حال آنکه دنیا در طول نیم قرآن غیر از جنگ های متعدد محلی در غرب، شاهد دو جنگ جهانی برخاسته از اردوگاه مسیحیت بوده که تلفات وحشتناک جانی و مالی برجای گذاشت! از جمله: «در جنگ جهانی اول ۹ میلیون نفر در میدان ها کشته با ۲۲ میلیون معلول و ۵ میلیون مفقود و در جنگ دوم، متجاوز از ۳۵ میلیون مقتول و ده ها میلیون ناقص العضو و... شدند.» (۴۴)

روابط اجتماعی

روابط اجتماعی

(علیکم بالتواصل والتبادل)

و...)

حال همراه با تأکید، اصل تحکیم و روابط اجتماعی و پیوند جامعه اسلامی را توصیه و از دوری و جدایی و قطع روابط نهی می کند چرا که در سایه تحقق این اصل نه تنها وحدت و وفاق ملی و مکتبی تثبیت و بسیاری از مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی برطرف می گردد بلکه روابط بین ملل اسلامی نیز تقویت می شود و در جامعه توحیدی زمینه اجراء دستورات الهی بیشتر فراهم آید. اینک به بخشی از عوامل مؤثر در پیوندها و روابط اجتماعی در اسلام اشاره می کنیم.

الف) صلّه رحم

ارتباط دوستانه با فامیل و بستگان و تحکیم پیوندهای دور و نزدیک افراد جامعه اسلامی با انگیزه دینی و اخلاقی و به عنوان یک امر مقدّس علاوه بر رفع مشکلات، کاهش آلام زندگی، تقویت تعاون، آثار وضعی خاص دارد که در احادیث اسلامی آمده از جمله:

قال النبی صلی الله علیه وآله: «صلّه الرحم تعمر الدیار، محبّه فی الأهل و تزید فی الإعمار و إن کان أهلها غیر أخیار، و تهون الحساب، تنفی الفقر و تقی میته السوء» (۴۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «پیوندهای خویشاوندی، سرزمین ها را عمران نماید، باعث محبت در فامیل و خانواده ها می گردد و عمرها را افزایش می دهد. اگر خویشان از خوبان هم نباشند و حساب قیامت را آسان گردانند، فقر (مالی و فرهنگی و عاطفی در نتیجه رفت و آمدها و تعاون) را برطرف می نماید و انسان را از مرگ بد و ناگهانی حفظ می کند.»

قال النبی صلی الله علیه و آله: «صِل رَحِمک ولو بشریه من ماءٍ و افضل ما یوصل به الرحم کفّ الأذى عنها» (۴۶)

«پیوند و ارتباط با رحم خود داشته باش گرچه با نوشاندن آب و برترین نوع پیوند خویشاوندی، دفع آزار و اذیت از

اوست». در سیستم اخلاق اسلامی برای رعایت حقوق خویشان نه تنها این همه اجر و ارزش قرارداد شده بلکه کیفرهایی برای قطع رحم مقرر داشته تا آنجا که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أقبح المعاصی قطيعه الرحم والعقوق» (۴۷)؛ از زشت ترین گناهان قطع رحم و عاق شدن است.

در عظمت این اصل اخلاقی کافیت بدانیم غیر از آیات، متجاوز از یکصد حدیث در اهمیت صله رحم و کیفر قطع آن وارده شده است و طبق روایات حتی نسبت به افرادی که از تو بریده اند باید صله رحم نمایند از طرفی صله رحم منحصر به خویشان هر فرد نبوده بلکه شامل رحم پیامبر صلی الله علیه و آله و سادات هم می شود (طبق روایات) بعلاوه صله رحم از سلام و احسان گرفته تا اداء دین و رفع غم و ظلم، آموختن و... همه می توانند از مصادیق آن قرار گیرد.

قال علی علیه السلام: «أفضل الفضائل صله الهاجر، وإیناس النافر، والأخذ بيد العابر» (۴۸)؛ برترین فضیلت ها پیوند با خویشاوند است که از تو بریده اند و انس با آنکه از تو رمیده و دور شده است و دستگیری از آنکه در سختی و مهلکه زندگی افتاده است.

با کمی دقت می بینیم اسلام برای فراگیر شدن اخلاق ارزشی خود نه تنها به تقویت رابطه خویشاوندی پرداخته (که ثمرات و برکات فراوان فردی و اجتماعی دارد) بلکه به آنچه در تحکیم روابط اجتماعی نقش داشته توصیه کرده است و بدین وسیله از بروز بسیاری از چالشها و ناهنجاریهای اجتماعی (همانند فقر، فساد، سرقت، افسردگی، اعتیاد و...) پیشگیری نموده است.

(ب) محبت با مردم

از این رهگذر در پیامی فراگیر و عام امام علی علیه السلام می فرماید: «خالطوا الناس مخالطه إن مّم معها بکوا علیکم، وإن

عشتم حنوا إلیکم» (۴۹)؛ با مردم آنگونه معاشرت کنید که اگر مردید، بر شما اشک ریزند و اگر زنده ماندید با اشتیاق به سوی شما آیند.

ج) بخشش و گذشت:

امام صادق علیه السلام در اهمیت و ارزش بخشش می فرماید: «السخاء من أخلاق الأنبياء»؛ سخاوت از اخلاق پیامبران است و علی علیه السلام می فرماید: «کن سمحاً ولا متکن مبدراً» (۵۰)؛ با سخاوت باش و اسراف کار مباش.

و نسبت به چشم پوشی (تغافل) و گذشت نمودن از خطاهای شخصی و حقوق یکدیگر می فرماید: «من أشرف أفعال الکرم غفلته عما يعلم» (۵۱)؛ از بهترین کارها (حالات) بزرگواران خود را بی خبر نمایاندن و چشم پوشی از زشتی های دیگران است که می داند.

و در بیانی دیگر می فرماید: «والعفو زکاه الظفر» (۵۲)؛ گذشت زکات پیروزی است.

یعنی نسبت به حقوق شخصی افراد برای حفظ وحدت، عدالت و اخوت جامعه در مورد تهدیدات دشمنان یا توطئه علیه دین و ملت و نظام. همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مسائل شخصی نرم و با گذشت بود اما در مسائل اصولی و عمومی و آنجا که پای قانون در میان بود با صلابت برخورد می کرد، یک نمونه:

بعد از فتح مکه، تمام توهین ها و بدیها که کفار قریش در طول بیست سال نسبت به حضرتش مرتکب شده اند بخشید و فرمود: «الیوم یوم المرحمه، اذهبوا أنتم الطلقاء» (۵۳)، اما بعدها وقتی زنی از قبیله بنی مخزوم (در مکه) سرقت می کند، خاندان او (که از بزرگان قریش بودند) اجرای حدّ سرقت را توهین بخود می دانستند، تلاش کردند و برخی اصحاب را واسطه قرار دادند تا پیامبر از اجراء حدّ صرف نظر کند که حضرت ناراحت شد و فرمود چه جای شفاعت است مگر قانون خدا را می توان تعطیل کرد؟ عصر

همان روز سخنرانی کرد و فرمود:

«اقوام و ملل گذشته با خطر تبعیض در اجراء قانون خدا، سقوط کردند، هر گاه اقویا جرمی مرتکب می شدند معاف می شدند و اگر ضعیف و زبردستی مرتکب می گشت مجازات می کردند سوگند به خدایی که جانم در دست اوست در اجرای قانون و عدالت، نسبت به هیچکس کوتاهی نمی کنم هر چند از نزدیکترین خویشان خودم باشد».

و همچنین قصه قضاوت های علی علیه السلام و محبت و مهربانی او که نسبت به ایتام و محرومان بوده، نه در برخورد با کارگزاران متخلف و متجاوزین به قانون و...

امر به معروف ونهی از منکر

امر به معروف ونهی از منکر

(لا تترکوا الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر)

در این کلام نورانی حضرت علی علیه السلام اصل و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر (یعنی دعوت و دستور به خیرها و خوبی ها و بازداشتن از زشتی ها و ناشایست ها) را مسلم دانسته، روی ترک نمودن آن تکیه کرده و نسبت به نتیجه سیاه عمل نکردن به آن دو هشدار می دهد و اینکه اگر دو اصل ارزشی امر به معروف و نهی از منکر رها گردد بدها و کارگزاران ناصالح و پست بر شما حاکم و مسلط می شوند و آنگاه در زیر ستم ها و بدبختی ها هر قدر فریاد بزنید نه دعایتان مستجاب شود و نه فریادرسی خواهید داشت.

از آنجا که اسلام جامع ترین قوانین را برای تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان دارا می باشد، برترین ضمانت اجرا را نیز دارد، ابتداء از طریق اعتقاد به مبدأ و معاد (عقیده به خالق یکتا و آنکه در محضر او هستی و تمام گفتار و رفتار و نیات تو ثبت و ضبط می شود و یک روز در دادگاه عظیم رستاخیر به حساب و اعمال همگان

رسیدگی می شود و به کیفر و دوزخ یا پاداش و بهشت می رسند) و نیز با تقویت وجدان اخلاقی در انسان و همزمان پاسخگویی صحیح به تمایلات آدمی و تأمین معیشت افراد و پیشگیری های منطقی، زمینه و فضا را برای رویش و رشد ارزشهای اخلاقی و منزوی شدن مفاسد فراهم می کند. حال با تمام این مقدمات اگر گناه ظاهری در جامعه انجام گیرد دو اصل نظارت همگانی امر به معرف و نهی از منکر را بر تمام مسلمانان فرض و واجب قرارداده است تا ضامن اجرا و تحقق مقررات در اجتماع باشد. و کشتی جامعه (در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله جامعه به کشتی و مسافران آن تشبیه شده که تخلف هر کدام باعث غرق شدن تمام کشتی می گردد و کسی نمی تواند به بهانه آزادی و سهم خود، قایق را سوراخ و آسیب پذیر کند و دیگران سکوت نمایند) در کمال سلامت و امنیت به ساحل سعادت برسد. و در صورت عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر طبق نظام قضایی عادلانه اسلام با متخلف برخورد قاطع و بازدارنده و عبرت آموز می شود زیرا آسیب ها و آفت های اخلاقی به مراتب زیانبارتر از آفت و میکروبهای بیماری زا و مادی است و ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی اگر بیاید هر گروه و ملت نیرومندی را به انحطاط و سقوط می کشاند و تمدن ها را نابود می سازند. (به گفته دانشمندان برای استفاده از زندگی مادی و صنعتی هم نیازمند به معنویت و اجراء ارزشهای اخلاقی هستیم) و لذا همه افراد باید در برابر جامعه احساس مسئولیت کنند تا بوستان اجتماع به دور از انواع آفت های اخلاقی آماده رویش شکوفه ها و رشد

نهال های پرسایه و ثمر انسانی گردد و گرنه دیری نپاید که خار و خاشاک مفسد سراسر باغ جامعه و جوانان کشور را فراگیرد!

جایگاه آن دو

در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وما أعمال البرّ کلّها والجهاد فی سبیل اللّٰه عند الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر إلّا کنفثه فی بحر لُجی» (۵۴)؛ بدانید تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره ای است در دریای پهناور. و مطمئناً امر به معروف و نهی از منکر، نه مرگ کسی را نزدیک می کند و نه از روزی کسی می کاهد و برتر از همه «کلمه عدلٍ عند إمام جائر»؛ سخن حق و عدل است که در برابر حاکم ستمگر گفته شود.

و در بیان دیگری می فرماید: «الأمر بالمعروف أفضل أعمال الخلق» (۵۵)؛ امر به معروف برترین کارهای مردم است. دعوت به خوبی ها و پاکی ها با زبان و عمل، بزرگترین عامل شکل گیری خوبیها در زمینه های مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و سرایت خوبی ها به نسل های بعد و در نتیجه به شکوفایی عدالت و خوشبختی رسیدن یک ملت در طول تاریخش می شود.

در مرحله اول خداوند بوسیله پیامبران پسندیده ها و ناپسندها را ابلاغ و اجرا فرموده و بعد توسط امامان علیهم السلام که در زیارت جامعه می خوانیم «وأمرتم بالمعروف ونهیتم عن المنکر وجاهدتم فی اللّٰه حقّ جهاده». و امام حسین علیه السلام نیز در قیام بی نظیر عاشورا، می فرماید: «... أريد أن آمر بالمعروف وأنهي عن المنکر...» (۵۶)

خاستگاه:

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه علی علیه السلام ریشه در محبت و برادری دینی دارد و لذا می فرماید: «أخوڪ فی اللّٰه من هداك إلی رشادٍ ونهاك عن فسادٍ وأعانك إلی إصلاحٍ معادٍ» (۵۷)؛ برادر دینی تو کسی است که تو را به راه رشد هدایت

کند، از فساد باز دارد و به اصلاح آخرت یاری ات نماید. در واقع نقد و انتقادی است دوستانه و برادرانه و با این دید که مفید می افتد و لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: «أحبّ إخوانی إلیّ من أهدی إلیّ عیوبی» (۵۸)؛ محبوب ترین دوستانم آن است که عیب هایم را به من هدیه کند.

نقطه آغازین

و این رسالت را باید از خود و خانواده آغاز و آنگاه در رابطه و مدیریت های اجتماعی که قرآن می فرماید: «قوا أنفسکم وأهلیکم ناراً وقودها الناس والحجاره» (۵۹)؛ خود و اهل خود را از آتش دوزخ که هیزمش مردم و سنگ است نگهدارید و نجات دهید. «یا أیها الذین آمنوا علیکم أنفسکم...» (۶۰)

عوامل توفیق

برای توفیق در این مهم شناخت معروف و منکر و احکام آن دو ضرورت دارد و همچنین آگاهی از مراتب آن دو که از عدم رضایت قلبی و چهره درهم کشیده آغاز می شود تا ضرب و جهاد، و نیز شناسایی شرائط و اخلاق آمران و ناهیان (مانند انگیزه خدایی نه اغراض شخصی و جناحی، استقامت، پیگیری مناسب، حفظ حیثیت و رازداری، شجاعت، سعه صدر و...) و نحوه تأثیر گذاری، بعلاوه اطلاع از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در انجام امر به معروف و نهی از منکر با مخاطبان مختلف لازم است، و از طرفی بررسی عوامل پیدایش و گسترش فساد و توطئه های دشمنان خاصه تهاجم فرهنگی در دو حوزه، «اندیشه و اخلاق» و در نتیجه متزلزل نمودن عقاید و ارزش های دینی و اخلاقی، تبلیغ بی بند و باری، و اباجه گری و سکولاریزم، اعتیاد به مواد مخدر و زمینه نابودی نسل جوان و نفی ایمان و... براندازی نظام اسلامی را فراهم می کند، که هر کدام بحث خاص خود را می طلبد.

موانع

برخی از موانع اجراء آن دو اصل حیاتی: (۱) نداشتن برنامه ریزی جامع و هماهنگ، (۲) عدم اعتقاد بعضی کارگزاران به حاکمیت و مدیریت دینی، (۳) سوءاستفاده از آزادی و کرامت انسانی، (۴) روشن نبودن منکر و برخی مفاهیم مانند حجاب، موسیقی، و...، (۵) مرعوب خارجی ها شدن و مصلحت اندیشی ها و عدم قاطعیت و...

آری علی علیه السلام در پایان پندهای پایدار و بیان امور محوری اسلام به کلید و رمز بقاء و تبلیغ و تحقق آنها و دیگر دستورات اسلامی اشاره می کند که همان امر به معروف و نهی از منکر باشد.

همانند باغبانی دانا و دلسوز

که پس از تعریف باغ و نهال به فرزندانش بگوید، بدانید که بقاء و رونق و ثمردهی این باغ بزرگ و زیبا، مرهون رساندن عوامل حیاتی (آب، کود و نور) به آن و دفع آفات و موذیان از آن می باشد و گرنه باغ و هستی تان تباه خواهد شد و حیثیت و شخصیت تان شکسته می گردد!

یا بنی عبدالمطلب! لا ألفتکم تخوضون دماء المسلمين خوضاً تقولون: قُتِلَ أمير المؤمنين، ألا لا تقتلن بی إلا قاتلی، انظروا إذا أنا من ضربته هذه، فاضربوه ضربه بضربه، ولا تمثلوا بالرجل، فإني سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «إياکم والمثله ولو بالکلب العقور».

واژه ها

لا ألفتکم: نیام شما را

مثله: قطع اعضاء

کلب العقور: سگ گزیده دماء: (جمع دم) خون ها

خاص: غوطه ور شدن، خود را به خطر انداختن تخوضون دماء المسلمين: فتنه جویی و خونریزی نمودن.

ترجمه:

«ای فرزندان عبدالمطلب، مبادا بعد از من دست به خون مسلمانان فرو برید، فتنه جویی کنید و دست به کشتار بزنید و بگویید، امیرمؤمنان کشته شد، بدانید جز کشته شدن من نباید کسی کشته شود، متوجه باشید و با دقت بنگرید. اگر من از ضربت او وفات یافت، او را فقط یک ضربت بزنید (با یک ضرب قصاص کنید) مبادا آن مرد را مثله کنید (دست و پا یا دیگر اعضایش را قطع نمایید) زیرا از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم، می فرمود: «پرهیزد از مثله نمودن هر چند سگ گزنده باشد».

پیام کلی

در این بخش به نمونه ای از امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کند و در لحظات آخر عمر خود نیز رعایت قانون و حدود الهی را توصیه دارد. همراه با یاد پیامبر خدا و استناد و استدلال نمودن به کلام او.

توضیح و تفسیر

در فراز و عبارت پایانی وصیت، حضرت علی علیه السلام با حق مداری و آینده نگری خاص، عشیره خود و خاندان عزیز عبدالمطلب را مخاطب قرارداده، آنان را از توطئه آینده خبر می دهد و در مورد تجاوز به حقوق دیگران بخاطر این قتل مظلومانه و غمبار هشدار می دهد، تا مبادا عده ای با غلبه احساسات و عواطف یا با اهداف سوء و سیاسی راه بیافتند و در نتیجه عدل و حق در مورد حکم خدا و قصاص تعطیل یا تحریف شود و بهانه بدست آشوب طلبان افتد و به اسم شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام کینه ها زنده و جامعه دچار تفرقه و خونریزی گردد. (چنانچه معاویه به بهانه خون عثمان، به قتل و

غارت مسلمانان و آن همه جنگ‌ها پرداخت) و یا ماجراجویان چهره خاندان عبدالمطلب را مشوه جلوه دهند، بعلاوه دستاویزی برای جنایاتی در تاریخ فردا شود!

برای روشن شدن نقش قانون قصاص در حیات، سلامت و امنیت جامعه به کتب مربوطه مراجعه فرمایید.

والسلام علیکم غفر الله لنا ولكم

فهرست منابع

- قرآن - نهج البلاغه - اصول کافی - بحارالانوار

- تاریخ طبری - تاریخ یعقوبی - جهان در قرن بیستم - سفینه‌البحار

- سیری در نهج البلاغه - صحیفه نور

- غرر و درر آمدی - غوالی المعالی - فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه - کنز العمال - نهج الفصاحه

- وصیت نامه امام راحل قدس سره

پی‌نوشت‌ها

(۱) فرقان، آیه ۳۰.

(۲) حدیث نبوی متواتر و معروف در کتاب روایی شیعه و سنی.

(۳) اسری / ۸۲.

(۴) شیخ مفید رحمه الله متوفی ۴۱۳ ه. ق شبی در عالم رؤیا دید، حضرت زهرا علیها السلام به مسجد محل درس او وارد شد در حالیکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را همراه خود داشت. رو به شیخ مفید نموده و فرمود: به این دو فقه بیاموز، فردای آن شب، هنگامی که در محل درس خود قرار داشت، مشاهده کرد مادر سید رضی و سید مرتضی نزد او آمد و گفت: آقا به این فرزندان درس فقه بیاموز، شیخ مفید شگفت زده تعبیر و تأویل خوابش را مشاهده نمود.

(۵) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱/۲۰۵، الغدیر ۷/۸۲.

(۶) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (مقدمه).

(۷) پیام امام خمینی قدس سره به مناسبت کنگره هزاره نهج البلاغه. صحیفه نور ۱۴/۲۲۳.

(۸) وصیت نامه امام خمینی قدس سره.

- (۹) فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه ۱ پائیز ۱۳۸۱.
- (۱۰) فصلنامه پژوهشی نهج البلاغه، ش ۱ پائیز ۱۳۸۰.
- (۱۱) بحارالانوار ۶۷/۲۲۵ و ۳۵۳. غوالی اللثالی ۱/۲۷ ح ۹.
- (۱۲) نهج الفصاحه، ص ۲۳۸ سفینهالبحار، ج ۱.
- (۱۳) نحل، آیه ۹۶.
- (۱۴) خطبه ۴۲.
- (۱۵) دهر، آیه ۹.
- (۱۶) سوره حجرات، آیه ۱۳.
- (۱۷) ۲ - کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.
- (۱۸)
- (۱۹) نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
- (۲۰) اصول کافی، ۲/۲۰۹.
- (۲۱) تحف العقول، ص ۹.
- (۲۲) مجادله، آیه ۲۲.
- (۲۳) از جمله آیات ۳۶ سوره اسری و ۴۷ النساء و ۹ ضحی و...
- (۲۴) بحارالانوار، ج ۷۵ /

ص ٤.

(٢٥) غرر و درر، ج ٧ / ص ٤٤.

(٢٦) بحار الانوار، ج ٢١ / ٢٦٣.

(٢٧) تفسير حراغى، ٣/١٤٩.

(٢٨) بحار الانوار، ج ٧٦ / ص ١٥٤.

(٢٩) بحار الانوار، ج ٤٣ / ص ٦٣.

(٣٠) كنز العمال، ٢٤٨٩٣.

(٣١) بحار الانوار، ج ٨٢ / ص ٩٤.

(٣٢) كنز العمال، ٤٠٢٧.

(٣٣) بحار الانوار، ج ٩٢، ص ١٨٦ - كنز العمال ٢٣٥١.

(٣٤) بحار الانوار، ج ٩٢، ص ١٧٧.

(٣٥) بحار الانوار، ج ٩٢، ص ١٩٠.

(٣٦) بحار الانوار، ج ٩٢، ص ١٧.

(٣٧) كنز العمال، ٢٧٥٢.

(٣٨) -

(٣٩) نمل، ٤٣.

(٤٠) بحار الانوار، ج ٩٢، ص ١٠٧.

(٤١) بحار الانوار، ج ٧٧ / ص ٢٩٠.

(٤٢) بحار الانوار، ج ٩٩ / ص ٢٧.

(٤٣) تاريخ طبرى، بحار الانوار، ج ٢٠، طبقات واقدى.

- (۴۴) جهان در قرن بیستم، لويس. ل. اسنايدر، ترجمه دکتر آیتی.
- (۴۵) بحارالانوار، ج ۷۴ / ص ۹۴ و ۱۰۳.
- (۴۶) بحارالانوار، ج ۷۴ / ص ۱۰۳.
- (۴۷) غررالحکم و درر الکلم.
- (۴۸) غررالحکم و درر الکلم، ۲/۳۳۵۸/۴۷۸.
- (۴۹) نهج البلاغه، حکمت ۹.
- (۵۰) بحارالانوار، ج ۷۱ / ص ۳۴۴ و ۳۵۵.
- (۵۱) نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳.
- (۵۲) همان، حکمت ۲۰۲.
- (۵۳) تاریخ یعقوبی، ۲/۶۰.
- (۵۴) نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۳۷۴.
- (۵۵) غررالحکم / ۳۳۱.
- (۵۶) بحارالانوار، ۴۴/۳۲۸.
- (۵۷) غررالحکم، ۹۶۹۷.
- (۵۸) تخف العقول، ۳۶۶، مستدرک الوسائل، ۸/۳۲۹، بحارالانوار، ۷۱/۲۸۲.
- (۵۹) سوره تحریم / آیه ۶.
- (۶۰) سوره مائده، آیه ۱۰۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

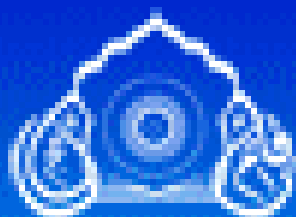
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات قرآنی

اصفهان

گامگاه

WWW

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹